

بسم الله الرحمن الرحيم

در خط می دلواپسی

مجموعه غزلیات

عاشقانه

رضای بیرجندی

(غلامرضا ابراهیمی)

در لحظه‌ی دلواپسی

| ۲ |

سرشناسه : ابراهیمی، غلامرضا، ۱۳۴۹ فروردین -
عنوان و نام پدیدآور : در لحظه‌ی دلواپسی
مشخصات نشر : تهران : هزاره ققنوس، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.؛ ۵/۱۲ × ۵/۲۱ س. م.
شابک : 978-600-286-122-1
وضعیت فهرست نویسی : فیهای مختصر
پادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nliai.ir>
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۷۵۸۷۲ قابل دسترسی است

در لحظه‌ی دلواپسی



تهران خیابان انقلاب - خیابان رامسر - پلاک ۱ واحد ۵ تلفن ۸۸۳۱۷۸۳۲

شاعر: رضای بیرجندی (غلامرضا ابراهیمی)

© حق چاپ: ۱۳۹۴، انتشارات هزاره ققنوس www.nashrehezare.ir

نویت چاپ: اول ۱۳۹۴

طرح جلد:

صفحه آرای: آتلیه انتشارات هزاره ققنوس

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۶-۱۲۲-۱

حروف متن: نازنین نازک ۱۴ روی ۲۴

لیتوگرافی و چاپ : سفیر قلم

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۸۰.۰۰۰ ریال

نام و نشان سروده‌ها

۱. آیات تو/عاشقی سرگشته آیاتِ تو را آورد و رفت/۸
۲. پرواز عاشقانه/سربازِ کبریایِ دو چشمِ جفا نکرد/۱۰
۳. غربتِ عشق/ابر لطف و چتر بارانم تویی/۱۲
۴. لبخند عشق/نیمه شب‌ها با شما گشتی شبانه می‌زنم/۱۳
۵. از سیاهی‌ها به نور/نازِ چشمانِ تو با ما آشناست/۱۴
۶. آسمانِ عشق/پرندهام کشیده پر به آسمان رسیده‌ام/۱۶
۷. قصه‌ی پاییز/بلبلِ باغِ غزل این همه بیمار نبود/۱۸
۸. شهریار چشم تو/نازنین، آئینه‌های چشم تو، تاثیر کرد/۱۹
۹. خون عاشق/گفته بودم خون عاشق در رگم جاری شده/۲۱

۱۰. شبیه شهریار/آئینه چرا در انتظار است ۲۳/۴
۱۱. فانوس عشق / من دوست می‌دارم تو را آیا ندارم؟ ۲۵/۴
۱۲. لحظه‌های ناب / صدای پای تو آشناست عاشقی ۲۶/
۱۳. سفر خوش مسافر/ سفر خوش مسافر برایم دعا کن ۲۷/
۱۴. شهاب بی مسیر/پریشب از پریشانی گذشتم ۲۹/
۱۵. فریاد فرودین/مشتاق روی تو فصل بهار نیست ۳۱/۴
۱۶. قسمت و تقدیر/کوچه دل پرشد از عطر خوش زلف یار ۳۳/
۱۷. عاشق شد و رفت /روی قبرم بنویسد که عاشق شدورفت ۳۵/
۱۸. یارغریبان/ یارغریبان تویی درحضر و در سفر ۳۷/
۱۹. حافظ عشق/خوشه پروین شکوفا درشب یلدای تو ۳۹/
۲۰. اعجازعشق/ آهسته شبی گفت به من حافظ شیراز ۴۰/
۲۱. خوش به حال تو/آرمیدی تو دراین صحن و سرا پروین ۴۲/
۲۲. یک سبو دلتنگی /ای نسیم عاشقی از سمت یار ۴۴/
۲۳. قطعی عشق/ سوز باد و برف و سرما می‌رسد درفصل سرد ۴۶/
۲۴. لبخند نارنجی/ نقاش ذهنم فصل فروردین کشیده ۴۸/
۲۵. نغمه گیتار/ای دختر افسون شده ازنغمه گیتار من ۵۰/
۲۶. فرشته عشق/ بانگاه آخرین از من تمنا کرد ورفت ۵۲/
۲۷. کلبه‌ی دل/ به کلبه‌ی دلم چرا کسی به در نمی‌زند ۵۴/
۲۸. تپش‌های نگاه/شبم اشکم چکیده روبه روی پنجره ۵۶/
۲۹. آئینه‌ی عشاق/ ای وای برآن کس که دلش یار ندارد ۵۸/
۳۰. کیوتر نگاه / به کوچه باغ آسمان چرا گذر نمی‌کند ۶۰/
۳۱. گفتگوی من و تو/در آسمان عشق، تو پر، وای نمی‌کنی ۶۲/۴
۳۲. زیبای جنوب/موج چشمان تو زیبای جنوب ۶۴/
۳۳. غوغای عشق/من همیشه عاشقی را با تو معنا کرده‌ام ۶۶/

۳۴. شهریار عشق / موج عاشق پیشه‌ی دریای دل بیتاب بود / ۶۸
۳۵. ماهی قرمز / در صبح فرودین آمد صدای سار / ۷۰
۳۶. آتش عشق / آتش عشق جلال الدین من / ۷۲
۳۷. مرگ عاشق / مرگ من روزی فرا خواهد رسید / ۷۴
۳۸. دختر باران / من دختر افسون گرم از باغ باران آمدم / ۷۶
۳۹. صبح چشمان تو / روح مرگ روان من از عشق تو کامل شده / ۷۷
۴۰. بوسه نگاه تو / راز چشمان تو را در پشت در خواهم نوشت / ۷۸
۴۱. راز نگاه تو را / رهگذر عشقم و گمشده دو کوجه‌ها / ۸۰
۴۲. جایای نگاه تو / قلب من آینه‌ی چشم غریبای تو بود / ۸۲
۴۳. شهید عشق / مردمک‌های شما دیشب حکایت کرد و رفت / ۸۴
۴۴. کبریای چشم تو / مردمک‌های شما در قلب من قایم کرد / ۸۶
۴۵. لیلی چشم شما / خواب دیدم عاشق و مفتون شدم / ۸۷

مقدمه

شعر موهبتی است خدایی و گلی ست عطرآگین که از سبوی سرشار عشق بر صفحه‌ی پاک دل شاعر چکیده و او با سخاوت بی پایان خویش آن را برای مردم به ارمغان می‌آورد.

شعر یعنی غمگین ترین آواز و گریستن در وسعت وسیع فراق و فاصله و فریادی ست در سکوت. شعر آئینه‌ی دل شاعر است که گاهی خود را در آن می‌بیند و گاهی خود را در آن گم می‌کند و گاهی در جستجوی آینه به دنبال خویش می‌گردد. شعر خود به سراغم می‌آید و پنجره دل را می‌گشاید و در خلوت تنهایی‌ام مرا به دنیای زیبایی‌ها دعوت می‌کند.

کتابی که در پیش روی شماست از اشعار دومین دفتر شعرم به نام "در لحظه‌ی دلواپسی" گزینش و انتخاب شده است.

برخود لازم می‌دانم از همسرم به خاطر صبر و حوصله و
بردباریش و از اساتید ارجمند آقایان عباسعلی براتی پور
و حمید محمد رضا واحدی و دوستان عزیزم آقایان فریدون
شمس و ابوالقاسم وردیانی به خاطر تشویقات و انتقادات
سازنده شان تشکر و قدر دانی کنم.

این مجموعه تقدیم می‌گردد به ساحت مقدس ائمه
اطهار (علیهم السلام) بویژه آقا امام زمان (عج) ... تعالی فرجه
الشریف) او که در لحظه‌های دلوپسی کمکم کرد و با
چشم‌های مهربانش هر لحظه به من لبخند می‌زند و به شما که
دقایقی از عمر خویش را در مطالعه این اثر سیری می‌کنید.

غلامرضا ابراهیمی

(رضای بیرجندی)

تهران

بهار ۱۳۹۴